

## از چه می ترسید ؟

خواهشا به فیلم های ( کلیپ ) زیر نگاه کرده وقصوت کنیم :

[https://www.youtube.com/watch?v=SfadWf4oVxM&ab\\_channel=MGhorbani](https://www.youtube.com/watch?v=SfadWf4oVxM&ab_channel=MGhorbani)

[https://youtu.be/PQn\\_FRAKiaU](https://youtu.be/PQn_FRAKiaU)

[https://youtu.be/NoTq3PnO5\\_o](https://youtu.be/NoTq3PnO5_o)

[https://www.youtube.com/watch?v=D4nTSNXwBz0&ab\\_channel=kambizIrani](https://www.youtube.com/watch?v=D4nTSNXwBz0&ab_channel=kambizIrani)

**نکته مهم و قابل توجه :** فرض را بر این گرفته که آقای رضا پهلوی صاحب قدرت شده و دیکتاتوری شاهنشاهی راه انداخته باشد، تاکید می کنم که فرض را بر این گرفته ام، علی رغم اینکه وی سیاه روی سفید بیان کرده که جمهوری را بر پادشاهی ترجیح میدهد .

اخیرا طرحی تحت عنوان " من به آقای رضا پهلوی وکالت میدهم" در فضای مجازی و غیر مجازی بر سر زبانها است و وارد پروسه عملی خود یعنی دادن وکالت از طرف اشخاص و گروه هایی شده است .

در مقابل، اشخاص و گروه هایی بویژه گروه های چپ از ماتریالیستی آن گرفته تا آسمانیستان موضع گرفته و گاه آنرا به تمسخر هم می گیرند و با کلماتی که از دهه 1350 با خود به یدک می کشند و فقط مصرف داخل گروهی و سازمانی دارد این طرح را مورد خطاب قرار می دهند.

محمد رضا شاه پهلوی در سال 1357 یعنی 44 سال پیش در یک حرکت کور تحت عنوان انقلاب اسلامی( بخوانیم نکبت اسلامی) به رهبری آخوندی متحجر ولی به تمام معنی زیرک و به زبان سیاسی " اپورتونیست" که از اجداد مکتبی خود آموزش گرفته بود و به کمک تقریبا تمامی گروه ها و سازمانهای چپ و راست و بدست ما سرباز صفران بی سواد سیاسی پر از شور و خالی از شعور سیاسی و فرهنگی و هویتی سرنگون شد . در این جریان نکبت تاریخی، گروه ها و سازمانهای چپ ضد امپریالیستی ماتریالیست و الهی بزرگترین جاده صاف کنان حضرت آیت الله خمینی و انقلاب نکبتبارش شدند.

همه به جنایات این رژیم 100% اسلامی که تمامی اعمال و حرکاتش و سخنانش نعل به نعل به فرمان الله و مطابق اصول کلام الله و سنت رسول الله و رفتار و سخنان امامانش می باشد آگاه بوده و اشراف داریم .

اما :

گیریم که آقای رضا پهلوی آنچه که می گوید و دم از انتخابات و مجلس موسسان میزند همه تاکتیک برای به قدرت رسیدن باشد و در یک کلام " دیکتاتور" از آب در بیاید. اما به این شک نیز توجه کنیم که بنا به شرایط تربیتی، خانوادگی، فرهنگی و بویژه رشد و تحصیل در کشورهای آزاد و دموکراتیک نهایتا یک دیکتاتور کلاسیک خواهد بود که پایبند اصولی خواهد شد که خیلی از ایرانیان چه در داخل و چه در خارج برای آن طی سالها مبارزه کرده و می کنند و اگر مبالغه نکرده باشم انسانهایی در راه رسیدن به آن زندان رفته و یا کشته شده اند، نمونه کوچکش همین مسئله حجاب( آزادی در پوشش)، دستمزد ماهانه هرکارگر و یا کارمند و غیره در انتهای هرماه، بودن دارو، برق، گاز، داشتن یک سقف جهت زندگی و بطور کلی امید به آینده ای خارج از این نکبت موجود . یعنی گیریم نظامی عین محمد رضا شاه پهلوی و یا کمی هم بهتر از آن، یعنی چاله ای در مقابل چاه بی انتهای رژیم جنایتکار اسلامی حاکم .

حداقل همه به این گفته واقف و شاهد هستیم که بنا به اعتراف همه گروه ها و سازمانهای چپ مارکسیستی و اسلامی که بارها گفته اند :

## از چاله در آمدیم و در چاه ویل افتادیم

یعنی نظام "با نظم" محمد رضا شاه پهلوی، بنا به اعتراف هزار باره خود آنها (لغز و متلک خوانان به طرح وکالت) چاله بود و نظام بی "نظم و بی سروته" آیت الله ها چاه ویل که لحظه به لحظه در جنایت و خیانت و نابودی ایران و ایرانی و همه ارزشها عمیق و عمیقتر میشود .

حال این سئوال اساسی در جلو وجدانهای بی غرض و بی مرض قرار دارد که آیا:

خروج از چاله کم هزینه تر است یا از چاه ویلی که دائما عمیق و عمیق تر می شود؟ (ترور، اعدام، گرونی، فحشا در تمامی زمینه ها، مرگ بر اثر بیماریهای قابل علاج ووووو) .

اگر بخواهیم صورت جلسه و فهرستی از جنایات و خسارتهای نظام واپسمانده اسلامی طی این نزدیک به نیم قرن ردیف کنیم، به قول معروف مثنوی صد من خروار گردد. شخصا معتقدم که خیلی از مرگها بخاطر بیماری های قابل درمان مختلف و یا تصادفات در ته قضیه قتل عمد است و توسط این رژیم بی کفایت انجام شده، که یعنی غیر مستقیم بدست رژیم اسلامی به "قتل" رسیده اند. نمونه آن وارد نکردن واکسن ضد کرونا و عدم یک فکر نهایی برای زلزله های گاه و بیگاه در ایران (به آمار کشته و زخمی و آواره شده گان آخرین زلزله ای که به وقوع پیوسته توجه کنیم) و مشکلات دیگر غیر قابل شمار

آیا اگر یک 1 ثانیه از این چاه ویل کثافت آیت الله ها درآئیم و به فرض به چاله دیکتاتوری فرضی آقای رضا پهلوی بیفتیم، راه نجاتی برای این ملت فداکار شریف در رنج و در بدبختی و فلاکت باز نمیشود؟

تجربه تاریخی نشان داده که در چاله دیکتاتوری فرضی میشود پیشرفت فرهنگی، اقتصادی، هنری ووو داشت، گیرم مگر سیاسی، یعنی همه چیز تنظیم است، بجز فضای سیاسی .

بنا به تجربه تاریخی خود محمد رضا شاه خودمان، همه چیز بود بجز فضای باز سیاسی مطلق (نسبی بود) که آنهم اگر حکومت وی چند صباحی دیگر ادامه می داشت حتما و جبرا به دمکراسی ختم می شد (تغییر شرایط جهانی)، اگرچه تاسیس حزب رستاخیز و اوامر و عواقب آن بزرگترین اشتباه محمد رضا شاه بود.

کجا محمد رضا شاه پهلوی و در تبع آن آقای رضا پهلوی حاضر بود و هست که دست و پا ببرد و چشم در آورد و زن و مرد سنگسار کند، و مامورانش در زندان به پسر و دختر ایرانی چند نفره تجاوز کنند، تجمعات اعتراضی مردم را اینچنین سرکوب و به خاک و خون بکشد؟

اضافه کنم که محمد رضا شاه پهلوی تظاهراتهای مردم در اعتراضات انقلاب سال 57 را نیز سرکوب کرد، اما نه به این شدتی که این رژیم اسلامی می کند. البته باید گفت که سرکوب در هر شرایطی و از هر موضعی غیر قابل قبول و محکوم است

دیدیم که بعد از چندین تظاهرات و سرکوب نسبی، محمد رضا شاه پهلوی حاضر نبود که ادامه دهد و ول کرد و رفت، خود در یکی از نشستهای رهبر یکی از سازمانهای پر مدعی شاهد بودم که می گفت:

"شاه بچه سوسول بود و حاضر به اینهمه کشتار مثل خمینی نبود"، جمله ای با همین مزمون .

انصافا بنا به صحبتهای آقای رضا پهلوی که حاضر است با هر خبرگزاری مصاحبه کند و در صحنه حاضر است و نه غایب و جهانی که در آن پرورش یافته و بویژه بنا به شرایط جهانی یعنی وسایل ارتباط جمعی (انترنت)، و پیروی نکردن ایشان از یک سیستم و اندیشه مکتبی، آیا اگر به قدرت برسد، با توجه به رشد هویتی و سیاسی ملت بویژه نسل جوان، سیستمی و حکومتی برپا نخواهد کرد که در آن ایران به سوی آبادی و ملت به سوی آزادی حداقل نسبی پیش برود؟

اگر مثلاً آقای رضا پهلوی به قدرت برسد، این زمینه وجود دارد که اینترنت را فیلتر گذاری کرده و اینترنتی به سبک جمهوری اسلامی (حکومتی با ایدئولوژی الهی) و یا به سبک کره شمالی (حکومتی با ایدئولوژی ماتریالیستی) راه بیندازد، و یا اصلاً ملت آزاد شده از حکومت نکبت اسلامی چنین اجازه و زمینه ای را حتی به لحاظ فقط اخلاقی به وی میدهد؟

بطور کلی و برای جلوگیری از به درزا نکشیدن مطلب باید پرسید که آیا مردمی که از چاه ویل و بی انتهای حکومت اسلامی حاکم بر ایران در آمده و بفرض که به چاله دیکتاتوری آقای رضا پهلوی افتاده باشند، توانایی از چاله در آمدن و به دشت آزادی رسیدن را نخواهند داشت ؟

نزدیک به نیم قرن است که ملت ایران تن به این رژیم بیرحم، بی قانون و خونخوار نه تنها نداده بلکه دارند آنرا به زانو در می آورند، آیا قدرت به پایین کشیدن بفرض دیکتاتوری کلاسیک و بدون ایدئولوژی آقای رضا پهلوی را نخواهد داشت ؟

مردم ایران هیچ شخص و احدی را که به جز به آبادی ایران و یک زندگی شرافتمندانه برای ملت نیندیشد و بویژه و بویژه اگر صاحب یک ایدئولوژی خاص چه ماتریالیستی و چه الهی باشد را هرگز نخواهند پذیرفت .

همه از چپ ماتریالیستی تا چپ اسلامی و اصلاح طلب و غیره گرفته یقه آقای رضا پهلوی را گرفته اند که چرا فرزند شاه هستی و طلب حق یا ناحق خود از محمدرضا شاه پهلوی را از وی طلب می کنند و کیفرخواست ناحقی به شکل عکس دو بیتی زیر برای وی می نویسند :

گیرم پدر تو بود فاضل                      از بهر پدر تو را چه حاصل .

یعنی ایشان هیچ تقصیر و گناهی در کرده ها و نکردنهای پدر خویش ندارد و این بی انصافی است که اشتباهات پدر را از فرزند درخواست کرد.

چه بخواهیم و چه نخواهیم علنی و غیر علنی بلندترین صدایی که در داخل و خارج از ایران شنیده می شود اسم ایشان است و تنها کسی است که همپای خواست جوانان امروز ایران گام بر میدارد و در اندیشه های ایدئولوژیک کهنه بسر نمی برد .

ایشان دست همکاری به سوی همه شخصیت‌های شناخته شده و قابل نفوذ و جریان‌ات سیاسی دراز کرده و از همه آنها میخواهد که تا پایان سرنگونی، همه اختلافات شخصی و حزبی و سازمانی را کنار گذاشته وبه‌مراه ایشان و نه رهبری ایشان با وی برای سرپا نگهداشتن این جنبش و نهایتاً تا پیروزی آن همراه شوند .

اگر شماها مشکلتان منافع حزبی و سازمانی نیست و واقعا به ایران و ایرانی می اندیشید و اعتقاد دارید که آقای رضا پهلوی میخواهد یک دیکتاتوری شاهنشاهی راه بیندازد ، به ایشان بپویندید و به قول معروف با یک تیر دو نشان بزنید، هم زودتر این نکبت حاکم بر میهن را از بین ببرید و هم با تشکیل یک شورای چند وجهی در یک ائتلاف ملی ایشان را کنترل واز دیکتاتور شدن وی جلو گیری کنید . بهرجهت چه بخواهیم چه نخواهیم ایشان سابقه عملی منفی در نزد ملت ایران ندارند .

ادامه این رژیم یعنی تجزیه ایران، در این زمینه شک نکنیم، ادامه این رژیم یعنی رشد کودکان کار، مجبور کردن زنان و دختران بیشتر به تن فروشی به بیگانگان و بویژه کشورهای همسایه مسلمان و اعزام آنها به حوزه خلیج فارس و در یک کلام به کنیز گرفتن بانوان میهن درست عین صدر اسلام . ادامه این رژیم یعنی کشتن هموطنان بهایی، هرچه بیشتر پرکردن زندانها از زندانی سیاسی گرفته تا آنهایی که برای تکه نانی به خلافهای اجباری و ناخواسته دست زدند ودر یک کلام یعنی نابودی ایران و ایرانی و تمامی ارزشهای انسانی . ادامه و حاکمیت ثانیه به ثانیه این رژیم ریختن خون بیشتر و بیشتر تا ناکجا آباد .

آیا ترجیح می‌دهید که سال‌های آتی و در پیش رو را تحت حاکمیت این جانپان (چاه ویل و بی ته) سپری کنید یا مثلاً در حاکمیت دیکتاتوری فرضی آقای رضا پهلوی (چاله)؟

شما همه و بویژه شما سازمانها و گروه‌هایی که جاده صاف کن خمینی و رژیم کثیف اسلامی بودید. آیا کدام را ترجیح می‌دهید **چاه ویل و عمیق** حاکمیت یک مشیت جنایتکار واپسمانده در آمده از غار تاریک حرا در بیابانهای خشک و بی فرهنگ حجاز در 1400 سال پیش را یا مثلاً **چاله** دیکتاتوری فرضی یا گیریم واقعی آقای رضا پهلوی مدرن را؟

خود یکی از آنهایی بودم که در چندسال پیش در این باره طی مقاله ای نوشتم که چرا همیشه باید ما ایرانیان بین بد و بدتر یکی را انتخاب کنیم، اما امروزه می بینم که سیستمهای ایدئولوژیک بدترین و خطرناکترین هستند، بویژه از نوع اسلامی آن، طالبان در افغانستان، و از نوع به اصطلاح چپ مارکسیستش کوبا، کره شمالی، ونزوئلا، بشار اسد، صدام حسین . آیا این کشورهای اسیر در دست این سیستمهای مکتبی یا همان ایدئولوژیک قابل مقایسه مثلاً با بن علی تونس، مبارک مصر هستند؟

ای آنهایی که توانی دارید و امکاناتی اگر به این پیشنهاد آقای رضا پهلوی نمی پیوندید، حداقل با لغز و متلک و سنگ اندازیهای تنوری و عملی آب به آسیاب جنایتکار خامنه ای نریزید .

برای چندمین بار تکرار می کنم آنچه که فضای حاکم نشان میدهد الان این نام آقای رضا پهلوی است که بر سر اکثر زبانها است چه در داخل و چه در خارج از میهن، غلط یا درست، حال شماها منکر شوید و لغز و متلک بپرانید، ایشان که نه تا کنون خونی ریخته است و نه عامل ترور شخصیت و یا فیزیکی شخصی شده و نه کسی را بخاطر مخالفت با شیوه اندیشه اش به وزارت اطلاعات چسبانده .

آقای رضا پهلوی بی اشکال نیست، ولی نه کشتار کرده، نه زندان داشته. نه بهترین بچه های ایران را به تنور جنگ ریخته و نه هیچ مخالف خودش را ترور شخصیت کرده، تنها جرمش اینست که پدر ایشان " پادشاه" بوده . سؤال اساسی اینست که :

**از چه می ترسید ؟**

**از اعتراف به راه های به خطا رفته خویش ؟**

**از دست خالی خویش ؟**

**آری از چه می ترسید؟**

**توجه :** نوشتن این مطلب نه دفاع از آقای رضا پهلوی و نه بر علیه ایشان است، بلکه بیان صحنه و واقعیت های تاریخی تجربی است که در جلو چشم می بینم، درست یا غلط، قضاوت با شما خواننده .

رها اخلاقی

12 بهمن ماه 1401